

مروری بر رساله رگ‌شناسی ابن سینا

دکتر محمدتقی آذرمینا*

عضو هیأت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)
گروه زبان و ادبیات فارسی

چکیده:

نبض او بگرفت و آگه شد ز حال

حرکت‌های مختلف نبض نشانگری روشن و ممتاز برای شناختن تندرستی و بیماری است. پزشکان از دیرباز به اهمیت آن پی برده و در آن تأمل نموده‌اند. ابن سینا نیز در باب عروق و نبض تألیفی دارد که به نام‌های النبض، نبضیه، علم‌النبض، دانش رگ و رگ‌شناسی خوانده شده است.

این مقاله به بررسی این رساله پرداخته و مشتمل بر هفت بخش به شرح زیر است. بخش اول: آشنایی با رساله رگ‌شناسی: در این بخش فصول نه‌گانه و رؤوس مطالب هر فصل معرفی شده‌است.

بخش دوم: شیوه نگارش: در این بخش نثر رساله که از نثرهای علمی نخستین فارسی است، مورد بررسی قرار گرفته است. بخش سوم: برخی اختصاصات زبانی: این بخش مشتمل است بر ساختمان انواع جمله، کاربردهای فعل، همچنین عبارات عربی و برخی ویژگیهای زبانی دیگر متن.

بخش چهارم: جملات کلیدی: متضمن تعریفات و قراردادهای علمی روزگار مؤلف در موضوع مورد بحث است.

بخش پنجم: ترکیبات واژه نبض: حدود پنجاه نوع نبض در این بخش شناسانده شده است. بخش ششم: معادل‌های فارسی برای لغات و اصطلاحات طبی: برخی لغات و اصطلاحات که به جای واژگان مستعمل عربی ذکر شده، در این بخش گرد آمده است. بخش هفتم: نوادر لغات که حاوی واژگان خاص این رساله است.

کلمات کلیدی: ابن سینا، رگ‌شناسی، نبض، نثر فارسی قرن پنجم، گونه‌های نبض، معادل‌های فارسی لغات طبی، نوادر لغات رساله رگ‌شناسی.

*آدرس: قزوین، بلوار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، گروه زبان و ادبیات فارسی

مقاله:

سپاس مر آفریدگار را و ستایش مر او را، و درود بر پیغمبر گزیده محمد و اهل بیت و یاران او صلوات الله عليهم اجمعین. (سرآغاز رساله ص ۲)

بی‌گمان حرکت‌های مختلف نبض نشانگری روشن و ممتاز برای شناختن تندرستی و بیماری است. پزشکان از دیرباز به آن پی برده و در آن بسیار نموده‌اند. بستگی حالات نبض با احوال محسوس و نامحسوس تن از مسائلی است که در کتب و مصنفات پزشکی قدیم مطرح گردیده. اطباء بزرگ چون ارساجانس (معاصر بقراط متوفی ۴۰۰ ق م)، جالینوس (متوفی ۲۱۰ م)، یحیی نحوی اسکندرانی (معاصر مأمون)، حنین بن اسحاق (متوفی ۲۶۴ ق) ثابت بن قره - حمدانی (متوفی ۲۸۸ ق) به تألیفی در باب نبض پرداخته‌اند.

شیخ‌الرئیس، الحق، امام‌الحکما، ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا (۴۲۸ - ۳۷۰) نیز در باب عروق و نبض تألیفی دارد که به نام‌های النبض، علم‌النبض، دانش رگ، رگ‌شناسی خوانده شده است.

این مقاله به بررسی این رساله در ۷ بخش پرداخته و ابعادی از آن را روشن ساخته است. رساله مذکور به نام «رساله رگ‌شناسی» به استاد حسین مشکو تصحیح گردیده و نخستین بار به سال ۱۳۱۷ هجری شمسی به یادگار جشن گشایش دبیرستان پهلوی بروجرد به چاپ رسیده است.

۱- آشنایی با رساله رگ‌شناسی

این رساله با حمد و ستایش آفریدگار و درود بر پیغمبر ختمی مرتبت آغاز گردیده، سپس علت تصنیف کتاب درخواست عضد علاءالدوله کاکویه حاکم اصفهان (جلوس ۴۲۲ ق) ذکر شده است. رساله متضمن بر نه فصل است که ذیلاً به رؤوس مطالب هر فصل اشاره می‌شود:

فصل اول: مشتمل است بر عناصر اربعه یعنی آتش و هوا و آب و خاک. همچنین به مباحث گرمی و سردی و خشکی و تری و خلقت آدمی که مرکب از تن و جان و روان است پرداخته، اخلاط چهارگانه یعنی خون بلغم و صفرا و سودا و روح‌های چهارگانه یعنی روح حیوانی، روح نفسانی، روح طبیعی و روح تولید نیز در این فصل مطرح شده است.

فصل دوم: بر اهمیت غذا برای حیوان و ذخیره مواد غذایی در بدن و استفاده بدن از ذخایرش به هنگام نیاز و دفع فضولات بدن سخن گفته شده است.

فصل سوم: به احوال دل اختصاص دارد و در این باب گفته: دل به مثل چون شریان همه تن است و شریان به مثل چون دل یکی از اندام. (ص ۹) در این فصل نظر پزشکان پیشین نقل گردیده و مورد

نقد قرار گرفته و این سخن که نبض بر سبیل و جزر است، مردود دانسته شده. همچنین در خلقت شریان‌ها نیز مطالبی ذکر نموده است.

فصل چهارم: در این فصل سخن درباره « نبض » است و ترتیب حرکت‌های نبض برشمرده شده و موارد زیر در این باره یاد گردیده:

اندازه حرکت (مقدار)، تیزی حرکت (سرعت و ابطاء)، حرکت (قوت و ضعف)، برآمدن و فرود آمدن حرکت (تواتر و تفاوت)، گرمی و سردی رگ (حرارت و برودت)، نرمی و سختی رگ (لین و صلابت) پری و تهی بودن رگ (امتلاء و خلأ) به یکدیگر مانده بودن و نابودن حرکت (استواء و اختلاف)، نظام حرکت (نظام)، اختلاف حرکت (زمان حرکت و سکون).

فصل پنجم: مشتمل است به اندازه حرکت نبض و انواع آن را دراز، کوتاه، میان میان، پهن، تنگ، بلند، افتاده و ستبر برشمرده و از جهتی قوت و ضعف، نرمی و سختی، پری و تهی بودن نبض هم در این فصل طرح گردیده است.

فصل ششم: اختصاص به نبض هموار و مختلف دارد و همچنین درباره نظام و بی‌نظامی نبض و موسیقاری بودن آن و نبض‌هایی که وزن نیکو دارند و ندارند، مباحثی آمده است.

فصل هفتم: مشتمل است بر مطالبی در باب نبض مستوی و مختلف و تفاوت نبض‌ها با هم. بدین ترتیب نبض گسلیده (منقطع) نبض بازگردیده (عاید) و نبض پیوسته (متصل) مطرح شده است.

فصل هشتم: در خصوص « نبض مرکب » و مشخصات و تفاوت‌های آنها با هم مطالبی آورده است. و سرانجام در **فصل نهم** به سبب‌های نظم نبض اشارت دارد و آن را از جهت آلت، قوت و حاجت و بررسی نموده و عوامل تأثیرگذار بر نبض و رگ مانند غم، بی‌تابی، ریاضت فراوان برشمرده شده و به تفاوت میان نبض نر و ماده و اختلاف نبض کودکان و برنایان و پیران اشارت گردیده. از مطالب دیگر این فصل به تفاوت نبض در حالت‌های مختلف بدن چون خواب، بیداری، خشمناکی، گرسنگی و سیری اشارت شده و در پایان به نبض زنان آبستن پرداخته است.

۲- شیوه نگارش

رساله رگ‌شناسی مانند کتاب « الابنیه عن حقایق الادویه » (تألیف شده در اوایل قرن پنجم) از نخستین نثرهای علمی و از جمله اولین کتاب‌هایی است که در یکی از ابواب طب به فارسی نگارش یافته است. نثر آن ساده و مفردات و ترکیبات و بافت‌های صرفی و نحوی کهن است. بدین سبب خواندن عبارات آن در ابتدا کمی دشوار به نظر می‌آید. اصطلاحات علمی و واژگان عربی با معادل‌های فارسی همراه گردیده و اختلافات آوایی کلمات نسبت به ادوار بعد چندان زیاد نیست. جمله‌های کوتاه و بلند ساده و مرکب به رسم نوشته‌های قرن چهارم و پنجم در آن مشاهده می‌شود.

جملات دعایی و القاب و عناوین علاءالدوله درخواست کننده کتاب بیشترین سهم را در بهره‌گیری از زبان عربی نشان می‌دهد. رعایت ایجاز و دوری از دراز سخنی مشخصه دیگر این رساله است. لحن استدلالی ابن سینا در نگارش این رساله فراوان دارد، چنان‌که برای هر امری کوشیده است دلیلی اقامه کند و گاه سؤال یا شبهه‌ای را طرح نموده و به پاسخ آن مبادرت ورزیده و زمانی نقل قول اطبای قدیم را آورده، سپس به نقد و بررسی آن پرداخته؛ چنان‌که بعد از نقل سخن جالینوس در باب نسبت موسیقاری به نبض با رأی او مخالفت کرده و آن را برای پزشک غیر ممکن و دشوار برشمرده و گفته: « این سخن از جالینوس، فضول است و غلط » (ص ۱۸) در جای دیگر قول پزشکانی را که حرکت نبض را بر سیبل و جزر می‌دانستند، مورد بررسی قرار داده و بیان داشته:

« بجشکان پیشین نیکو ندانسته‌اند، پنداشته‌اند که حرکت نبض بر سیبل و جزر است. (ص ۹) نکته حائز دیگر این که مطالب این رساله نشان می‌دهد که ابن سینا تا چه حد به نگرستن، دقت و تجربه در مسائل علمی می‌داده، تا ی که یکی از نتایج این باریک‌اندیشی در عی که برای حرکات و اشکال نبض بیان کرده و تفاوت‌های خاص هر یک را بر شمرده، مشهود است.

۳- برخی اختصاصات زبانی

همانگونه که گذشت نثر کتاب اختصاصات نثرهای کهن فارسی را دارد که به مواردی از آن اشارت می‌شود:

۳/۱ - فعل: فعل‌ها بیشتر ساده است و در مرتبه بعد فعل‌های پیشوندی با پیشوندهای « باز، فراز، فرو، اندر، » به کار رفته و فعل‌های مرکب با جزء اول فارسی مانند « گرد آمدن » (ص ۴)، « آگاهی دادن » (ص ۳)، « چشم داشتن » (ص ۲۴)، « بیرون کردن » (ص ۸)، « بسته کردن » (ص ۸) و با جزء اول عربی چون « حرکت کردن » (ص ۲۰)، « عرق کردن » (ص ۲۴)، « تدارک کردن » (ص ۲۵)، « ضعیف کردن » (ص ۲۸)، « اثر کردن » (ص ۲۸)، « قرعه کردن » (ص ۲۱) استعمال شده. گفتنی است که فعل‌های مرکب نسبت به فعل‌های ساده و پیشوندی کاربرد کمتری دارد. جایگاه نحوی فعل بیشتر در پایان جمله است و موارد بسیار کمی از تقدیم فعل به چشم می‌خورد.

۳/۲ - جمله: جمله‌های ساده کوتاه و بلند با ساختمان منظم و طبق قاعده و گاه با تقدیم تأخیر به کار رفته که نمونه‌های زیر از آن جمله است:

- ایزد - تعالی - شریان‌ها را دو طبقه آفرید. (ص ۱۰)

- ریاضت کردن به اندازه نبض را نیک کند. (ص ۲۸)

- آفریدگار تن را از اندام‌ها ساخت. (ص ۴)

- این سکون علامت می‌شود حال‌های دیگر را. (ص ۹)

- وی به زمستان اندر سوراخ به کمی حرکت بزید بی غذا از بیرون. (ص ۶)
همچنین جمله‌های مرکب با ساختمان ساده و پیچیده در متن وجود دارد که به نمونه‌هایی از آنها اشارت می‌شود:

الف - جمله مرکب پیچیده با بندهای موصولی

- آفریدگار ما - عزّ و علا - که حکمت وی داند و مر دانشجویان را از آن اندکی آگاهی داده است، چهار گوهر اصل که اندرین عالم زیر آسمان است، بیافرید. (ص ۳)

ب - جمله مرکب شرطی

- اگر هوای سرد بدو نرسد، از اعتدال اندر گذرد. (ص ۷)

ج - جمله مرکب نقل قول

- از پیشتر گفته‌اند: که حرکت نبض رگ‌ها چون حرکت نبض دل است. (ص ۱۹)
۳/۳ - «خوانند» به صورت فعل ناقص (دو مفعولی) در متن کاربردی چشمگیر دارد.

- نبض مرکب آن نبض را خوانند. (ص ۲۳)

- این را متصل خوانند. (ص ۲۰)

- اگر بدیر و درنگ گذرد، او را بطیء خوانند. (ص ۱۳)

۳/۴ - **تکرار کلمه:** تکرار کلمه اعم از فعل و غیر فعل بنا به سبک دوره نخست فارسی (۴۵۰ - ۳۰۰ ق) در بافت‌های نحوی این رساله وجود دارد که نمونه‌های زیر از آن جمله است:

- دوم را جدا وزن خوانند و به تازی مابین‌الوزن خوانند. (ص ۱۹)

- آب مر غذای تن را اندر تن براند. (ص ۷)

- آبستنی زنان مر حاجت را بیفزاید که هم مادر را باید و هم فرزند را. (ص ۲۸)

۳/۵ - **پسوند « تر »:** این پسوند به همراه کلمات گوناگون به کار رفته که نمونه‌های زیر از آن جمله است:

- چنین اولی‌تر که پالایش و تحلل وی بیشتر و زودتر بود و غذا پیوسته‌تر و زودتر یابد و ناصبوری وی بیشتر بود. (ص ۷)

- سردتر و ترتر شود. (ص ۵)

۳/۶ - **جدایی صفت از موصوف:** در برخی جمله‌ها جدایی صفت از موصوف مشاهده می‌شود:

- اندر دانش رگ کتابی بکن جامع. (ص ۲)

۳/۷ - **ضمیر « وی » و « او » برای غیر انسان:**

- مر روح را سببی دیگر است که او جوشان و افروزان است. (ص ۷)

- حرکت رگ به سبب آن حرکت است که به وی می آید. (ص ۹)
- ۳/۸- «را» برای فک اضافه: این الگوی کهن نیز در برخی جمله‌ها دیده شده مانند:
- انگشتی را رگ بزرگتر بود. (ص ۲۲)
- ۳/۹- «همی» به جای «می»:
- به سبب اختلاف روح مختلف همی گردد. (ص ۹)
- ۳/۱۰- جملات و عبارات عربی: جمله‌های عربی متن به قرار زیر است:
- صلوات الله عليهم اجمعين (ص ۲)
- الله مثواه و مضجعه (ص ۲)
- جلّ جلاله (ص ۳)
- عزّ و علا (ص ۳)
- ان شاء الله تعالى (ص ۲۹)
- جدای جمله‌های ذکر شده برخی ترکیبات عربی هم که جمله‌گی القاب و عناوین علاءالدوله - کاکویه است بدین ترتیب می‌باشد:
- علاءالدوله (ص ۲)، قاهر (ص ۲)، تاج‌الملک (ص ۲)، ابوجعفر (ص ۲)، حسام امیرالمؤمنین (ص ۲).
- از عناصر دیگر عربی باید از ترکیب «لامحاله» (ص ۱۹) یاد کرد و همچنین گفتنی است که تنها کلمه تنوین دار متن «اولاً» (ص ۲۸) می‌باشد.

۴- جملات کلیدی

- در متن به جملاتی برمی‌خوریم که کوتاه و روشن‌کننده و از سوی دیگر دربردارنده برخی مطالب علمی، تعریفات و قراردادهای علمی روزگار مؤلف است. این جمله‌ها به شرح زیر می‌باشد:
- آتش را گرم آفرید. (ص ۳)
- هوا را تر آفرید. (ص ۳)
- آب را سرد آفرید. (ص ۳)
- خاک را خشک آفرید. (ص ۳)
- جان که وی را روح خواند. (ص ۴)
- روان که او را نفس خواند. (ص ۴)
- بلغم نیم خون است. (ص ۴)
- صفرا کفک خون است. (ص ۴)

- سودا دُرد و نُقل خون است. (ص ۴)
- اندام‌های رئیس چون مغز و جگر و چون اندام‌های منی. (ص ۵)
- روح حیوانی اندر دل بود. (ص ۵)
- روح نفسانی اندر مغز بود. (ص ۵)
- روح طبیعی اندر جگر بود. (ص ۵)
- روح تولید یعنی زایش اندر خایه بود. (ص ۵)
- علم رگ که علم نبض خوانند، علم حال روح است. (ص ۵)
- دل به مثل چون شریان همه تن است. (ص ۹)
- شریان به مثل چون دل یکی از اندام است. (ص ۹)
- حرکت انبساط را همیشه بشاید به انگشت یافتن. (ص ۱۱)
- حرکت انقباض به دشواری شاید اندر یافتن. (ص ۱۱)
- حکم نبض اندر اختلاف و نظام مانده حکم ایقاع است. (ص ۱۷)
- هر نبض را زمان حرکت است و زمان سکوت. (ص ۱۸)
- حرکت نبض رگ‌ها چون حرکت نبض دل است. (ص ۱۹)

۵- ترکیبات واژه نبض

دقت در شناختن حرکات و اشکال « نبض » موجب گردیده که حدود پنجاه گونه از حالات نبض در این رساله مطرح شود و برای هر یک نامی و تعریفی معین گردد. فراوانی ترکیبات واژه نبض بر باریک‌بینی و ژرف‌اندیشی ابن‌سینا در مسائل عینی و تجربی دلالت دارد. این ترکیبات در ذیل به صورت الفبایی گرد آمده است:

نبض آستن (۲۸)	نبض تهی (۱۴)
نبض آهوی (۲۳)	نبض جدا وزن (۱۹)
نبض ارگی (۲۳)	نبض جوالدوزی (۲۴)
نبض افتاده (۱۲)	نبض خارج الوزن (۱۹)
نبض اندر میان افتاده (۲۴)	نبض خرد (۱۳)
نبض باریک (۱۳)	نبض خشمگین (۲۹)
نبض برنایان (۲۹)	نبض دمام (۱۴)
نبض بطیء (۱۳)	نبض دم‌موشی (۲۴)
نبض بلند (۱۲)	نبض دودی (۲۳)

نبض به مفاجا (۲۹)	نبض دوزخمی (۲۴)
نبض پر (۱۴)	نبض دوموبگان (۲۹)
نبض پهن (۱۶)	نبض ستبر (۱۳)
نبض پیران (۲۷)	نبض ستبری (۱۳)
نبض سخت (۱۴)	نبض مادگان (۲۹)
نبض سرد (۱۴)	نبض متداخل (۲۲)
نبض سریع (۱۳)	نبض مرکب (۲۳)
نبض سیر از طعام (۲۷)	نبض معتدل بالا (۱۳)
نبض طویل (۱۲)	نبض معتدل بزرگی (۱۳)
نبض عظیم (۱۳)	نبض معتدل پهنا (۱۲)
نبض غمناک (۲۹)	نبض موجی (۲۳)
نبض کودکان (۲۹)	نبض نران (۲۹)
نبض گرم (۱۴)	نبض نرم (۱۴)
نبض گسسته (۱۴)	نبض نملی (۲۳)
نبض گسسته وزن (۱۹)	نبض هموار (۱۵)
نبض لرزنده (۲۵)	

۶ - معادل‌های فارسی برای لغات و اصطلاحات طبی

از خصایص دیگر رساله رگ‌شناسی معادل‌های فارسی برای لغات و مصطلحات طبی است. ابن‌سینا در برابر هر یک از این لغات و ترکیبات معادل مناسب فارسی قرار داده است. فهرست زیر گویای این موضوع است و در آن نخست واژه عربی آورده شده، سپس معادل فارسی آن ذکر گردیده است:

بدن: تن (۴)	شاهق: بلند (۱۲)
بدیر: طولانی (۱۳)	صغیر: خرد (۱۳)
بطیء: درنگی (۱۳)	صفرا: کفک خون (۴)
بلغم: نیم خون (۴)	صلب: سخت (۱۴)
جسد: تن (۴)	: تنگ، پهنااندک (۱۲)
دقیق: باریک (۲۳)	طویل: دراز (۱۲)
ذنب‌الفار: دم‌موشی (۲۳)	عاید: بازگردیده (۲۱)

- ذوالفتره: اندر میان افتاده (۲۴)
 ذواقرتین: دوزخمی (۲۴)
 روح: جان (۴)
 سریع: تیز (۱۳)
 سودا: دُرد و ثَقُل خون (۴)
 قصیر: کوتاه (۱۲)
 مباین الوزن: جداوزن (۱۹)
 متشنج: لرزنده (۲۵)
 متّصل: پیوسته (۲۲)
 متغیرالوزن: گسسته وزن (۱۹)
 متفاوت: گسسته (۱۴)
 متواتر: دمامد (۱۴)
 مجاوزالوزن: گذشته وزن (۱۹)
 مستوی: هموار (۱۵)
- عریض: پهن (۱۲)
 علم تفسره: علم آب، بول (۵)
 علم نبض: علم رگ (۵) دانش رگ (۲)
 غزالی: آهوی (۲۳)
 غلیط: ستبر (۲۳)
 مشرف: بلند (۱۲)
 معتدل: میان میان (۱۲)
 منخفض: افتاده (۱۲)
 منشاری: اره گی، ارگی (۲۳)
 منقطع: گسلیده (۲۲)
 نفس: روان (۴)
 نملی: مورچگی (۲۳)
 الواقع فی الوسط: اندر میان افتانده (۲۴)
 جوالدوزی (۲۳) :

۷- نوادر لغات

با توجه به نثر کهن رساله رگ شناسی آگاهی از لغات و نوادر آن اهمّیت دارد و از این رو در این بخش فهرستی از آنها به ترتیب الفبا جهت آشنایی بیشتر فراهم آمده است:

- آکندگی: پری (۱۴)
 آکنده: انباشته (۱۴)
 آماس: ورم، باد، برآمدگی (۲۴)
 آمیزش: امتزاج (۷)
 آن: مال، متعلّق به (۳)
 از آن: مال (۳)
 اندر: در (۷)
 اندر گذرد: گذر دهد، عبور دهد (۷)
 اندر یابد: درک کند (۱۷)
 اولی تر: سزاوارتر (۷)
 ایقاع: هم آهنگ ساختن (۱۷)
- بزشکان: پزشکان (۹)
 بلندنا: بلندی (۹)
 بنصر: انگشت میانی (۱۹)
 بیرون: جدای (۱۴)
 بیشترک: کمی بیشتر (۱۰)
 پاره: بخش (۱۹)
 پالاید: صافی کند (۶)
 پالوده: صافی کرده (۶)
 پسی: بعدی (۲۲)
 پیش: قبل، قبلی (۲۲)
 پیش رفتن: اطاعت کردن (۲)

- بازار کردن: رونق و رواج دادن (۱۸)
 بافراط: فراوان (در معنی وصفی) (۲۸)
 باندازه: معین (در معنی وصفی) (۲۸)
 بجشکان: پزشکان (۹)
 برسو: بالا (۲۱)
 خودی خویش: خود به خود (۹)
 دومویه: کم مو، بی مو، مخنث (۲۹)
 دیگر: دوم (۴)
 را: به معنی « به » (۶)
 زایش: زادن (۶)
 ساعت به ساعت: لحظه به لحظه (۷)
 سپس تر: بعدتر (۸)
 سپسین: مقابل پیشین، بعدی (۱۵)
 فراز آوردن: باز کردن (۸)
 فرو ایستد: بی حرکت شود (۱۳)
 فروسو: پائین (۲۱)
- تبش: تپش (۱۰)
 جنبش: لرزیدن (۵)
 چشم داتشن: انتظار داشتن (۲۴)
 خداوند: حاکم، پادشاه (۳)
 خنصر: انگشت کوچک (۱۷)
 گرمابه کردن: استحمام کردن (۲۴)
 لامحاله: بناچار (۱۹)
 مردم: انسان (۱۴)
 مر ... را: حرف اضافه و حرف نشانه مضاعف (۲)
 موسیقاری: منظم (۱۷)
 مهترک مهترک: کمی بیشتر کمی بیشتر (۲۱)
 ناجنبیده: ساکن (۱۰)
 نهاد: خلقت (۲۵)
 وراسان: هراسان (از اتباع است) (۱۶)
 یابد: شود (۲۸)

####

فهرست منابع و مآخذ

- تاریخ ادبیات در ایران، دکتر ذبیح‌الله صفا، جلد دوم، تهران، فردوسی، ۱۳۷۱.
- تاریخ زبان فارسی، دکتر پرویز ناتل خانلری، جلد ۱ و ۲، چاپ دوم، تهران، نشر نو، ۱۳۶۵.
- تاریخ علوم عقلی در اسلام، دکتر ذبیح‌الله صفا، چاپ سوم، تهران، ۱۳۴۶.
- سبک‌شناسی، تقی بهار، چاپ ششم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۰.
- فرهنگ تاریخی زبان فارسی: بخش اول، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۷.
- لغات فارسی ابن‌سینا، دکتر معین، مجله دانشکده ادبیات تهران، ش ۲، ۱۳۳۳.
- نثر فارسی ابن‌سینا، دکتر حسین خطیبی، مجله دانشکده ادبیات تهران، ش ۲، ۱۳۳۳.